

متن پرسش

سلام علیکم و رحمة الله در بحث رزق و روزی از طرفی طبق مبانی دینی خودمان روزی دست خداست؛ از طرف دیگر ما باید با تدبیر و برنامه ریزی در زندگی جلو برویم. حالا رابطه بین این دست خدا بودن رزق با برنامه ریزی چیست؟! فرض بفرمائید شخصی است که درآمدش کفاف خودش و همسرش را به زور می دهد. حال آیا این شخص اگر با استناد به آیات: «وَمَا مِنْ دَابَّةٍ فِي الْأَرْضِ إِلَّا عَلَى اللَّهِ رِزْقُهَا وَ يَعْلَمُ مُسْتَقَرَّهَا وَ مُسْتَوْدَعَهَا كُلٌّ فِي كِتَابٍ مُبِينٍ» (هود: ۶) و مثلاً آیه: «وَلَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ حَشِيَّةً إِمْلاقٍ نَحْنُ نَرْزُقُهُمْ وَ إِيَّاكُمْ إِنَّ قَتْلَهُمْ كَانَ خِطْأً كَبِيرًا» (اسراء: ۳۱) مثلاً صاحب ۵ تا ۶ تا ۱۰ تا بچه شود با این حساب که همان خدائی که بچه ها را داده، روزیشان را نیز می دهد؛ آیا این کار درست است یا خیر؟! اگر این کار درست است مثلاً ما می بینیم خیلی از خانواده هائی که صاحب بیشتر از ۵ یا ۶ فرزند هستند؛ وضع زندگی چندان خوبی ندارند. خوب با این وضع یعنی اگر این شخص تنها ۱ یا ۲ فرزند نیز داشت باز هم وضع خانواده اش این بود یا نه در آن حالت وضعیتشان بهتر بود؟! یا مثلاً فرد مجردی که به قول معروف آه ندارد با ناله سودا کند و نه خانه ای دارد؛ نه ماشینی دارد؛ نه شغل و منبع درآمدی دارد؛ نه پدری با وضع خوب دارد که بتواند پدر خرجش را بدهد؛ اگر همچین فردی با استناد به آیه: «وَ أَنْكِحُوا الْأَيَامَىٰ مِنَكُمُ وَ الصَّالِحِينَ مِنْ عِبَادِكُمْ وَ إِمَائِكُمْ إِنْ يَكُونُوا فُقَرَاءَ يُغْنِهِمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَ اللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ» (نور: ۳۲) برود ازدواج کند آیا کار درستی است یا خیر؟! یعنی در واقع این آیات می خواهد این را بگوید را منظور دیگری دارد؟! یا مثلاً احادیثی داریم که رزق هر کس چیز مشخص و معینی است که بخواهد یا نخواهد به دستش می رسد. خوب اگر این احادیث واقعا همین منظوری دارد که ما از آن می فهمیم پس رزق من مثلاً فلان مقدار است و این از قبل مشخص و معین شده. خوب پس چه کار بکنم چه نکنم چه کار فکری بکنم چه کار یدی چه هر کار دیگری این مقدار رزق به من می رسد. آیا این نتیجه گیری درست است؟! اگر این نتیجه گیری درست است پس یعنی اگر من بیکار هم باشم و هیچ کاری نیز نکنم آن رزق مشخص و معین به من می رسد. آیا درست است؟! یا مثلاً اگر رزق مشخص است پس میزان کار افراد نباید در میزان رزق تأثیری بگذارد. پس اگر مثلاً چه من نوعی روزی ۸ ساعت کار بکنم چه روزی ۱۰ ساعت چه مثلاً روزی ۱۵ ساعت آن رزق من مشخص و معین است و با افزایش کار اصلاً رزق من اضافه نمی شود. در صورتی که می بینیم ظاهراً خلاف این است. فرض بفرمائید کاسبی باشد که مثلاً امروز را تا ساعت ۷ بعد از ظهر کار کرد و میزان مشخصی درآمد کسب کرد. خوب این فرد اگر ۲ ساعت بیشتر کار کند در این ۲ ساعت باز هم مشتری هائی سراغ او می آیند پس در نتیجه درآمد شخص اضافه می شود. پس رزقش نیز اضافه می شود. حال

این مسأله چگونه قابل توضیح و تبیین است؟! یا یکبار حدیثی دیدم که روزی حضرت علی ع به میثم فرمودند خرماهایت را چند می فروشی؟! میثم مثلاً گفت کیلوئی ۱۰ تومان می خرم کیلوئی ۱۲ تومان می فروشم (اعداد از خودم است چون اصل روایت را یادم نیست). حضرت ع به او فرمودند امروز را با همان قمیتی که خریدی بفروش. در پایان روز بعد میثم دید که درآمدش نسبت به روز قبل تغییر نکرده است. سپس حضرت ع به او فرمودند که اگر ترس این را نداشتی که کافر شوی می گفتم به کمتر از قیمت خرید بفروش تا ببینی حتی در آن صورت نیز درآمدت تغییری نمی کند. حال اولاً متن عربی این حدیث را می خواستم در صورت وجود. ثانیاً اگر حدیث صحیح است چگونه قابل تبیین است؟! فرض بفرمائید میثم امروز ۱۰۰ کیلو خرما خرید کیلوئی ۱۰ تومان که می شود ۱۰۰۰ تومان. فردا اینها را خواست کیلوئی ۸ تومان (کمتر از قیمت خرید) بفروشد. خوب اینجا میثم برای خرید این خرماها ۱۰۰۰ تومان داده در صورتی که اگر همه اش را بفروشد ۸۰۰ تومان گیرش می آید. خوب این یعنی ضرر. فردا با این میزان پول تنها ۸۰ کیلو خرما می تواند بخرد نه ۱۰۰ کیلو. روز بعد ۶۴ کیلو. روز بعد حدود ۵۱ کیلو. روز بعد حدود ۴۰ کیلو. روز بعد ۳۲ کیلو. روز بعد ۲۴ کیلو. و همینطور هر روز کمتر از دیروز می شود. خوب بعد فرض کنیم میثم هر روز میزان خورد و خوراک میثم و خانواده اش مثلاً روزی ۱۰۰ تومان باشد. خوب در اینصورت پس از چند روز فروش به قیمت کمتر از خرید طوری می شود که دخل میثم به خرجش نمی رسد. یا مثلاً اگر در فروش با سود میثم می توانست مقداری پول پس انداز کند در این صورت دیگر نمی تواند پس اندازی داشته باشد. خلاصه هر طور آدم فکر می کند نمی تواند این حدیث را توجیه کند.

متن پاسخ

باسمه تعالی؛ علیکم السلام: آیهی مورد اشاره و روایات مربوط به رزق متذکر این نکته‌اند که در شرایط طبیعی به وظیفه‌ی خود عمل کنید و حرص بیجا نزنید. آنچه برای شما مقدر شده به شما می‌رسد ولی این بدین معنی نیست که اعمال ما عامل تنگی و بسط رزق نگردد. به ما فرموده‌اند ترک رحم موجب تنگی رزق می‌شود و یا خوشرویی موجب بسط رزق می‌گردد. آری روایات بر آن تأکید دارد که سراسر زندگی خود را صرف پول‌درآوردن نکنید، خداوند دنیا را این‌طور نساخته که شما نتوانید با یک فعالیت متوسط رزق منطقی مورد نیازتان را به‌دست آورید. اگر بیشتر حرص زدید عمر خودتان را ضایع کرده‌اید و با ثروت زیادتر به رزق بیشتر نرسیده‌اید. به نظرم روایاتی که در کتاب «جایگاه رزق در هستی» آمده این نکات را روشن می‌کند ولی همان دینی که آن آیات و آن روایات را فرموده به افراد مجردی که توان تأمین لباس و مسکن و غذا برای همسری که باید انتخاب کنند ندارند فرموده است. بی‌گدار به آب نزنید بلکه «وَلَيْسَنَّ عَفِيفِ الَّذِينَ لَا يَجِدُونَ نِكَاحًا حَتَّى يُغْنِيَهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ» باید آن‌هایی که نمی‌توانند همسری بیابند عفت بورزند تا خداوند از فضل خود امکانات لازم را برایشان برساند. در ضمن روایتی که در رابطه با جناب میثم فرمودید پیدا نکردم ولی در هر حال آن را در رابطه با موضوعات سَری و تصرفات غیبی بدانید که بین حضرت علی «علیه‌السلام» و میثم بوده و نباید آن را

به عموم سرایت داد و با محاسبات بازاری بررسی کرد. موفق باشید